

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



وضعیت چالش هسته‌ای با ایران

بعد از بیش از دو دهه کلنچار دیپلماتیک بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای ایران و خرابکاری‌های هدفمند در آن، اسرائیل و ایالات متحده عناصر کلیدی از این برنامه را هدف گرفتند. فرانسه، آلمان و بریتانیا سازوکار اسنپ‌ک یا پس‌گشت را کلید زدند تحریم‌هایی را برگرداندند که تحت برجام، لغو شده بودند. در پی این وقایع، چشم‌انداز حل دیپلماتیک اختلافات بر سر برنامه هسته‌ای ایران چگونه است؟ پیش از جنگ ۱۲ روزه و بازگشت تحریم‌ها، مذاکرات بین ایران و جامعه بین‌المللی، شامل دوره‌هایی از همکاری و عدم‌پایبندی بود. ماجرا از اوت ۲۰۰۴ شروع شد؛ به توافقی برای توقف غنی‌سازی در سال ۲۰۰۴ رسید؛ در ۲۰۰۵، غنی‌سازی ایران از سر گرفته شد؛ در فوریه ۲۰۰۶، پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد رفت و یک دهه تحریم‌های فزاینده اعمال شد؛ حملات سایبری آمریکا و اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای رخ داد و بعد از مذاکرات، آمریکا درباره غنی‌سازی نرمش نشان داد. این روند به برجام رسید که با مخالفت‌های داخل آمریکا و نیز از سوی اسرائیل و دول خلیج [فارس] مواجهه البته با پایبندی و همکاری ایران همراه شد. در سال ۲۰۱۸، آمریکا از برجام خارج شد و به خواسته «غنی‌سازی صفر» دولت جورج دبلیو بوش بازگشت. تلاش اروپا برای حفاظت از ایران در مقابل تحریم‌ها، اثر عملی چندانی نداشت و از ۲۰۱۹، ایران عدم‌پایبندی گام‌به‌گام را پیش گرفت. در دوره جو بایدن، پیشرفت چندانی رخ نداد؛ سپس در اوایل دوره دوم ترامپ، استیو ویتکاف، نماینده ویژه او، پنج دوره گفت‌وگو با وساطت عمان با ایرانی‌ها داشت. ایران همچنان خواسته آمریکا برای توقف غنی‌سازی را رد می‌کرد. ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران را رسماً در وضعیت عدم پایبندی اعلام کرد و روز بعد از آن، اسرائیل جنگ را کلید زد. در این کارزار، برنامه ایران آسیب دید، اما نابود نشد. بعدتر، اروپا هم اسنپ‌ک را فعال کرد. ایران اسنپ‌ک را نامشروع خواند و محدودیت‌های بیشتر بر دسترسی بازرسان اعلام کرد. روسیه و چین از موضع ایران حمایت و اشاره کردند تحریم‌های بازگشته را پیاده نخواهند کرد. این نمودی از شکافی بود که از ۲۰۱۷ شروع شده بود. هیچ کدام از بازیگران کلیدی علاقه‌ای به از سرگیری مذاکرات نشان نمی‌دهند. همه روی این حساب باز کرده‌اند که اگرهم‌های در اختیارشان، در نهایت طرف دیگر را مجبور به تسلیم خواهد کرد. ایران حالا، آژانس و تروئیکای اروپایی را نایبان فریبکاری می‌داند، برای خصومت آشفتن ناپذیر ایالات متحده و اسرائیل. ترامپ موضوع را حل شده فرض می‌کند و ادعا می‌کند، برنامه ایران در طول جنگ ۱۲ روزه، «کاملاً و تماماً نابود شده است.» با وجود این، ترامپ در اوایل اکتبر این را هم گفته که ممکن است ایالات متحده پندزیری توافق منطقه‌ای گسترده‌تری هم باشد. درون واشنگتن، دولت بین سیاست تعاملی ویتکاف که از زمان جنگ با ایرانیان گفت‌وگو داشته و موضع وزیر خارجه مارکو روبریو که اولویت را به اعمال فشار می‌دهد، دچار دودستگی است. حتی اگر گفت‌وگویی رخ دهد، بین مواضع مذاکره‌ای طرف‌های کلیدی ماجرا، هیچ هم‌پوشانی نیست. همانند اواسط دهه ۲۰۰۰ در دولت بوش، ایالات متحده همچنان بر این موضع مصر است که هیچ غنی‌سازی نمی‌تواند در خاک ایران رخ دهد؛ اما بدون همکاری روسیه و چین، توانایی ایالات متحده در محدودکردن توانایی ایران جهت بازسازی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی‌اش، به میزان قابل‌توجهی کمتر از قبل خواهد بود. به دنبال تبادل آتش موشکی [ایران] با اسرائیل، به‌نظربعیدمی‌رسد که توافقی صرفاً هسته‌ای، پذیرفتنی باشد و این پیچیدگی بیشتری به ماجرا می‌افزاید. ایران اصرار دارد که حقی سلب‌نشده‌ی برای غنی‌سازی دارد، چه به عنوان دولتی فاقد تسلیحات هسته‌ای تحت پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای ۱۹۷۰، چه اگر از این پیمان خارج شود. اگر ایران برنامه هسته‌ای‌اش را بازسازی کند، اسرائیل تمایل خود را نشان داده که عملیات نظامی خود را از سر بگیرد. چنان که تاریخ طولانی مذاکرات حکایت می‌کند، ممکن است مواضع تلطیف شوند؛ اما یک عامل کلیدی در این میان هست که با گذر زمان، شرایط آن بدتر می‌شود: توانایی آژانس برای بررسی و تأیید وضعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران. هر چقدر دوران عدم دسترسی بازرسان طولانی‌تر شود، کار مشخص کردن وضعیت اورانیوم و سانتریفیوژهای ایران سخت‌تر می‌شود.

حضور رؤسای جمهور ایران و روسیه و رهبر کره شمالی برای بازدید از ژرژ چن / عکس: Sputnik



ارزیابی تحلیلگران جهانی از چشم‌انداز همراهی ایران، چین، روسیه و کره شمالی

جنگ سرد جدید؟

▼ یاران روسیه

چنان که از همین جا مشخص است، اصل بحث از جنگ اوکراین ریشه می‌گیرد و شروع داستان، ادعای یاری‌رساندن سه عضو دیگر این محور، به روسیه بوده است. پس از حمله روسیه به اوکراین، ایالات متحده، اروپا و متحدانشان در کنار حمایت‌های مستقیم از اوکراین، با ابزارهای مختلف اقتصادی و سیاسی، روسیه را در موضع انزوا و فشار قرار دادند. در این راه، البته موفقیت‌هایی داشتند؛ در عین حال، روسیه روابطی هم داشت که هم در مواجهه با فشارها و هم در جهت دریافت کمک در مقابل اوکراین، بتواند از آن‌ها استفاده کند. در این میان سه کشور، هر کدام به شکلی در تقابل با غرب قرار داشتند و هم‌زمان، تا حدودی به همین عدم قطع رابطه و ادامه تعاملات پیشین با روسیه نیز خود می‌توانست تا حدی همین اثر را داشته باشد و از سوی دیگر، در نقاط نیاز، این سه کشور می‌توانستند، اگر می‌خواستند، کمبودهای روسیه به دلایل مختلف را رفع کنند یا کاهش دهند. این سه کشور عبارت بودند از: چین، قدرتمندترین کشور در میان این سه و بلکه این چهار کشور که البته عادی‌ترین روابط را نیز با طرف‌های غربی دارد، اما توان و امکان این را نیز دارد که به روسیه یاری برساند و البته باز این توان را نیز دارد که لزوماً بابت هر گونه کمکی به روسیه، مجازات نشود؛ ایران که دهه‌هاست در پرونده‌های مختلف، از جمله پرونده هسته‌ای، پرونده خاورمیانه، پرونده اسرائیل و... خود را در سویی و غرب را در سوی دیگر می‌بیند و فعالانه در تقابل منافع قرار دارد و کره شمالی که شاید در تندترین موضع در این میان قرار دارد، به جز چند دیدار ظاهرمحور در دولت دونالد ترامپ، گفت‌وگوی مؤثری با طرف‌های غربی نداشته و البته مدت‌های طولانی است، آسیب‌های جدی را در این تقابل متحمل شده است. این هر سه، روابطی مثبت با روسیه داشته و دارند. یکی از پیامدهای این تبیین، تعامل ناتو با کشورهای دیگر در جهت تقابل با این چهار کشور بوده است؛ کشورهایی که نظرات و مواضع نزدیکی در این زمینه دارند. سال گذشته همین روزها، مقامات ارشد استرالیا، نیوزیلند، کره جنوبی و ژاپن برای اولین بار در نشست وزیرای دفاع ناتو در بروکسل شرکت داشتند. پیش از آن نیز در سه نشست سالانه پیایی، رهبران کشورهای هند و آرام به عنوان مهمان حضور داشت‌اند. این کشورها عضو ناتو نبوده و نیستند، اما در صنایع دفاعی و نیز در حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی، همکاری‌هایی جدی با برخی از اعضای ناتو، از جمله ایالات متحده داشته

بین‌الملل و راهبردهای دفاعی، فراجربی هستند. پیترون پرا، در سخنرانی خوشامدگویی خود در این نشست مدعی شد، منزوی کردن روسیه از جامعه جهانی باعث شده دیگر «استبدادگرایان» به کمک پوتین بیایند: «حالا چین و روسیه و ایران و کره شمالی که ما آن‌ها را کرینک‌ها می‌خوانیم، دارند با هم برای انحلال نظم جهانی کار می‌کنند.» ارزش ذکر دارد که تقریباً در تمام متون پس از این جلسه، کرینک به شکل مفرد برای اشاره به تمام این کشور به کار رفته و جمع بسته نشده است. روایت رسانه‌ها از آن نشست حاکی از این است که در این نشست، بحث‌های مختلفی درباره این محور شد و در عنوان دو جلسه هم به آن اشاره شد: «پیروزی در اوکراین = پیام برای کرینک‌ها» و «بریکس را فراموش کنید، کرینک‌ها را ببینید.»

این تبیین، البته فراتر از پایه‌های آن در دنیای واقعی، مشخصاً نوعی دسته‌بندی کاربردی نیز برای طرف غربی بود که در واکنش رسانه آمریکایی فارن پالیسی به موضوع، تصریح شد. این نشریه در نوامبر ۲۰۲۳، در تحلیل درباره این ماجرا، بلافاصله موضوع کرینک را با بحث «محور شرارت» شروع می‌کند. این نشریه به سخنرانی معروف وضعیت کشور در سال ۲۰۰۲ از سوی جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا می‌پردازد که در آن، بوش ادعای مواجهه آمریکا با «محور شرارت» جدید را مطرح کرد، متشکل از ایران، کره شمالی و عراق. این عبارت، از ستون‌های سیاست خارجی ایالات متحده و مداخله‌های متعدد آن دولت در خاورمیانه شد. فارن پالیسی سپس می‌نویسد: «اگر فکر کردید واشنگتن دیگر از این حرف‌ها گذشته است، از این خبرها نیست. بیش از دو دهه بعد، محور شرارت دوباره در منو است.» این نوشته به تکرار این عبارت در سخنان برخی چهره‌ها اشاره می‌کند و البته رویکردش به این موضوع کمی بدبینانه نیز هست: «جنگ‌طلبان حوزه سیاست خارجی سال‌ها مشغول امتحان عبارات، ترکیب‌ها و مخفف‌ها برای توصیف تهدیدات علیه غرب بوده‌اند. اوایل این ماه در نشست امنیتی بین‌المللی هلیفکس... برخی استفاده از مخفف «کرینک» را برای توصیف این رقابتی غرب شروع کرده‌اند، در اشاره‌ای به بلوک کشورهای «بریکس»؛ البته، بازیافت همیشه از ابداع چیزی تازه راحت‌تر است.» این نوشته درباره تصویرسازی دوباره «خیر در مقابل شر» و تبعات احتمالاً تکراری آن در سیاست جهان هشدار می‌دهد و نیز اشاره می‌کند که چنین روایتی ممکن است قدرت‌های میانی و کشورهای اصطلاحاً جنوب جهانی را به دوری از ایالات متحده سوق دهد. ضمن اینکه در این مقاله، قراردادن چین در کنار سه کشور دیگر نیز، اشتباهی به نظر می‌آید که درباره پیامدهای آن هشدار داده می‌شود.

الیزابت ویشنیک، کارشناس روابط چین و روسیه در گزارش‌های برای مؤسسه پژوهش سیاست خارجی می‌نویسد: محور، نیازمند این است که چیزی بیش از الگوی استبدادی و گرایش ضد غربی در کار باشد. [اگر محور بود] انتظار می‌داشتیم نوعی همکاری رسمی بین این سه کشور ببینیم، هماهنگ برای کمک به روسیه در اوکراین می‌داشتیم

روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی



در فضای بحث‌های سیاسی غرب اگر گشته باشید، شاید عبارت کرینک یا CRINK را دیده باشید و به نظر می‌رسد روزبه‌روز بیشتر خواهید دید. مخفف «چین، China»؛ «روسیه، Russia»؛ «ایران، Iran» و «کره شمالی، North Korea»، کرینک بناسست محوری را توصیف کند متشکل از این چهار کشور یا توصیف‌های مختلف، بسته به قرائت‌های مختلف، از جمله «محور استبدادگرایان»، «محور غرب‌ستیزان»، «محور هژمونی‌ستیزان»، «محور ضدامپریالیست‌ها»، «محور دشمنان دموکراسی» و محور دشمنان نظم جهانی غربی. مشابه همین تحلیل را با ادبیاتی متفاوت و احتمالاً مثبت، در ایران نیز می‌توان یافت. به‌خصوص در قبال روسیه، بسیاری از تریبون‌ها بر این عقیده‌اند که جبهه مشترکی در مقابل آمریکا شکل گرفته است و در مقابل فشارها و اقدامات ایالات متحده علیه ایران، این روسیه است که می‌تواند اثر مثبتی بر شرایط ایران بگذارد. دیدارها و گفت‌وگوهای رسمی و نیز برخی مواضع مقامات نیز حاکی از این است که مسکو، اهمیت ویژه‌ای در چارچوب سیاست خارجی ایران یافته است و به همین شکل، کم‌وبیش بقیه کشورهایی هم که مواضع مشابهی در تقابل با غرب دارند، برای ایران مهم هستند.

اما «کرینک» دقیقاً بناسست چه اشتراک و هم‌دستی‌ای بین این چهار کشور را توصیف کند و چقدر ادعاهایی که ذیل این عبارت مطرح می‌شوند، جدی هستند؟ آیا واقعاً چین، روسیه، ایران و کره شمالی، شانه‌به‌شانه هم در حال نبرد با غرب‌اند؟ یا داستان چیز دیگری است؟

▼ قصه از کجا شروع شد؟

به روایت بیشتر منابع، اولین کاربرد جدی این مخفف، به سال ۲۰۲۳ برمی‌گردد؛ در پانزدهمین «نشست امنیتی بین‌المللی هلیفکس» و توسط پیترون پرا، رئیس و از بنیان‌گذاران این مجمع. این نشست که به صورت خلاصه به نام اچ‌اف‌ایکس هم از آن یاد می‌شود، نشستی با حضور مقامات دفاعی و نظامی و بعضاً دیپلماتیک کشورهای مختلف غرب با نزدیک به غرب یا محوریت آمریکای شمالی است که در کانادا برگزار می‌شود و دول ایالات متحده نیز اغلب در آن نماینده داشته و دارند. از آمریکا، هیئتی دوحزبی از کنگره نیز معمولاً راهی این نشست می‌شود تا تأکیدی بر این داشته باشد که دغدغه‌های این نشست، در حوزه‌های امنیت، سیاست